روزی روزگاری مشهد

روایتی درباره پیشینه مزرعه‌ای قدیمی در شمال ارض اقدس که قدمت آن به پیش از دوره تیموری می‌رسد

«مال‌آباد»، همزاد تاریخی مشهد

چند نما از بلوار بهمن امروز و مال‌آباد دیروز

عکس: سعید گلی | شهرآرا

مرضیه ترابی| در میان روستاها و مزارعی که از قدیم‌الایام در اطراف باغ خواجه ربیع وجود داشته‌اند، احتمالا «مال‌آباد» قدمت بیشتری دارد؛ مزرعه‌ای که طبق گزارش «حاج‌علی رزم‌آرا» در جلد نهم «فرهنگ جغرافیای ایران»، در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، بر کرانه جاده مشهد به کلات قرار داشت، ۲۶۱ نفر در آن زندگی می‌کردند که زندگی‌شان از طریق کشاورزی و دامداری می‌گذشت، زبان همه آن‌ها فارسی بود و همگی پیرو مذهب شیعه بودند. «مال‌آباد» را در دوره‌های تاریخی متأخر با نام کوی صاحب‌الزمان(عج)، کوی امام‌رضا(ع) و عموما شهرک شهید چمران می‌شناسند و از شرق به روستاهای «گلشاد» و «باغو»، از غرب به «اسماعیل‌آباد» و از جنوب به «چاییش» و «کلاتچه بوغا» منتهی می‌شد و در قدیم نیز مانند امروز، مسیل یا به قول مشهدی‌ها «کال» چاییش از جنوب آن عبور می‌کرد. امروزه همه این مناطق به بخشی از شهر مشهد تبدیل شده و تنها نام و یادی از آن‌ها در ذهن افراد قدیمی محله باقی است. در گزارش امروز می‌خواهم برایتان از «مال‌آباد» بگویم؛ روستا یا به صورت دقیق‌تر مزرعه‌ای که از حیث قدمت شانه‌به‌شانه شهر مشهد می‌زند.

معمای یک نام قدیمی

احتمالا قدیمی‌ترین سندی که در آن نامی از «مال‌آباد» به میان آمده، کتاب مشهور «جغرافیای حافظ ابرو»ست. شهاب‌الدین عبدا... خوافی، درگذشته ۸۳۳ قمری، از مزرعه‌ای به نام «مالباد» نام برده که جزو مزارع شهر مشهد محسوب می‌شده است. نام «مالباد» البته مربوط به نسخه «دیوان هند» این کتاب قدیمی است و در برخی دیگر از نسخه‌های این اثر، نام مذکور به «مصاباد» تغییر کرده است که هم‌خوانی چندانی با «مال‌آباد» ندارد. سیدمحمدکاظم امام در کتاب «جغرافیای تاریخی خراسان» از این مزرعه با نام «مالیاداد» نام می‌برد که نشان می‌دهد احتمالا نام قدیمی مال‌آباد، تلفیقی از یک واژه تغییریافته با کلمه «داد» بوده است. اگر این موضوع را به‌عنوان یک احتمال قوی فرض کنیم، می‌توانیم قدمت مال‌آباد را بسیار بیشتر از چیزی بدانیم که به نظر می‌رسد. واضح است که کلمه «داد» واژه‌ای فارسی است و اطلاق آن به یک مکان، از اصالت ایرانی این محل و احتمالا قدمت بسیار زیاد آن حکایت می‌کند؛ خصوصا که بر خلاف برخی مزارع و روستاهای اطراف مال‌آباد، این مزرعه از قدیم‌الایام ساکنانی فارس‌زبان داشته است. در «کتابچه تبادکان»، مربوط به دوره ناصرالدین‌شاه، درباره «مال‌آباد» می‌خوانیم: «قدیم‌النسق است؛ [دارای] هفده خانوار است از تاجیک (فارسی‌زبان)؛ از قنات زراعت و باغات خود را مشروب می‌سازند؛ هوایش معتدل است.» مال‌آباد در متن وقف‌نامه‌های مشهور و اسناد شناخته‌شده‌ای مانند «تومار عضدالملک»، به‌عنوان شاخص تعیین حدود برخی مزارع وقفی آستان قدس رضوی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اسماعیل همدانی در متن کتاب «آثارالرضویه»، به نقل از تومار عضدالملک، محدوده «کلاتچه بوغا» را این چنین تعیین می‌کند: «حدی به اراضی مزرعه فتح‌آباد، حدی به اراضی مزرعه مال‌آباد، حدی به اراضی مزرعه چاهش، حدی به اراضی حسین‌آباد موقوفه خواجه ربیع.»

شاهد وقایع تاریخی

قدمت مال‌آباد که دست‌کم تا عصر تیموری و حدود هفتصد سال قبل پیدا می‌شود، ما را بر آن می‌دارد که این مزرعه دیرپا را شاهد وقایع بسیاری در تاریخ مشهد و اطراف آن بدانیم. اهالی مال‌آباد احتمالا شاهد هجوم مغولان بوده‌اند و حتی در آن ایلغار دهشتناک، خود هدف غارت و چپاول سربازان چنگیز قرار گرفته‌اند؛ همچنین قرار داشتن آن‌ها در مسیر سرسبز و پرمحصول حاشیه رودخانه باستانی کشف‌رود کافی است تا این فرض را که اراضی مال‌آباد و مزارع اطراف، احتمالا برای مدتی به چراگاه احشام سپاه متجاوز مغول و بعدها تیمورلنگ تبدیل شد، تقویت کند. چشم‌انداز تاریخی مال‌آباد در صفویه نیز چشم‌انداز هجوم‌های وحشیانه ازبکان برای غارت مشهد است. در اواخر دوره صفوی و در کشاکش رقابت نادرقلی افشار با شاه‌تهماسب دوم برای کسب قدرت و اقتدار، مال‌آباد یکی از مکان‌هایی بود که شاهد استقرار پادگان نظامی نادر برای نبرد نهایی با ملک‌محمود سیستانی شد. این نبرد نهایتا با فروریختن بخشی از باروی مشهد و ورود نیروهای فرمانده نام‌آور افشار به شهر، پایان یافت. مال‌آباد احتمالا در دوازده سال پادشاهی نادرشاه، روزگار آرامی را از سر گذراند، اما در پی قتل وی و درهم‌ریختن اوضاع خراسان، تا مدت‌ها روی آرامش ندید. از یک سو حاکمان و امرای محلی که بر سر سهم‌خواهی و کسب ثروت، دائما رعیت را می‌دوشیدند، هستی اهالی مال‌آباد را همچون دیگر نقاط اطراف مشهد به یغما می‌بردند و از سوی دیگر، حملات مکرر ترکمانان که گاه به حدود مشهد نیز می‌رسید، خواب را از چشمان اهالی این مزرعه دیرپا ربوده بود. نگارنده در منابع تاریخی اثری از قلعه مربوط به مال‌آباد نیافت، اما تقریبا تردیدی نداریم که مال‌آباد نیز همچون دیگر مزارع اطراف مشهد از قلعه و باروی مناسب برای دفاع و حفظ امنیت برخوردار بوده است. این وضعیت در هنگامه قحطی بزرگ دهه ۱۲۹۰ خورشیدی و نیز در غوغای بعد از شهریور ۱۳۲۰، تا حدودی باعث حفظ موقعیت مزرعه در جوار شهر مشهد می‌شد.

«مال‌آباد» در اسناد

اسناد مربوط به تاریخ مال‌آباد چنگی به دل نمی‌زند؛ تعداد این سندها زیاد نیست و شاید هم دسترسی به آن‌ها سختی‌های خودش را دارد و نمی‌توان همه آن‌ها را به سادگی یافت؛ با این حال از همین اسناد محدود و مختصر می‌توان برخی مشکلات تاریخی این مزرعه قدیمی را شناخت؛ مشکلاتی که البته شبیه مشکلات بقیه روستاها و مزارع اطراف شهر مشهد است؛ آب و مرزبندی اراضی. در این زمینه دو سند در مرکز اسناد آستان قدس رضوی وجود دارد؛ یکی متعلق به سال ۱۳۳۱ قمری (۱۲۹۲ خورشیدی) و دیگری مربوط به سال ۱۳۱۲ خورشیدی. سند نخست مجموعه نامه‌هایی درباره درگیری اهالی کلاته بوغا و مال‌آباد بر سر آب قنات و محدوده اراضی است. در تابستان سال ۱۲۹۲ خورشیدی، زارعان کلاته بوغا به «جعفرخان»، مباشر آستان قدس، در این مزرعه شکایت کردند که کشاورزان مال‌آباد، مسیر قنات خودشان را بسته‌اند و آبی را که باید به زمین‌های کلاته بوغا برسد، بند آورده‌اند و در ضمن قصد زراعت بر روی بخشی از زمین‌های این مزرعه دارند. جعفرخان طی نامه‌ای بلندبالا به مرتضی‌قلی‌خان طباطبایی نائینی شرح مطلب کرد و خواستار رسیدگی شد. مرتضی‌قلی‌خان فرزند میرزاسیدمحمدخان مستوفی بود و چنان‌که احتشام کاویانیان در «شمس‌الشموس» آورده است، نوه دختری خانلرمیرزا احتشام‌الدوله، پسر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه بود و از این طریق نسبش به دودمان قاجار می‌رسید. مرتضی‌قلی‌خان در دوره دوم مجلس شورای ملی، لیدر حزب اعتدالیون و نایب‌رئیس اول مجلس بود و پس از آن در ۱۳۲۹ قمری (۱۲۹۰ خورشیدی) نایب‌التولیه آستان قدس رضوی شد و در زمان واقعه به توپ بستن حرم رضوی، این سمت را داشت. او در سال ۱۲۹۷ خورشیدی هم دوباره این مسئولیت را به دست آورد و مقبره‌ای در صحن نو برای خود بنا کرد که همچنان باقی است و نامش را می‌توان بر کاشی‌های سر در ورودی حجره دید. بگذریم؛ وقتی شکایت زارعان کلاته بوغا به گوش مرتضی‌قلی‌خان رسید، وی نامه‌ای به این شرح خطاب به جعفرخان نوشت: «مقرب‌الحضره جعفرخان مباشر کلاتچه بوغا از قراری که اظهار شده است زارعین مزرعه مال‌آباد جلوی آب قنات خود را بسته و خواسته‌اند [در بخشی از] اراضی کلاتچه بوغا کشت و زرع نمایند. البته از مداخله آن‌ها جلوگیری کرده اگر حرف حسابی داشته باشند، یک نفر بیاید اینجا و مصدّق معیّن نماید و از طرف آستان قدس هم مصدّق معیّن شده بروند بازدید نمایند و هر قسم تصدیق شد، رفتار نمایند؛ البته بدون این ترتیب حق مداخله در املاک متعلقه به کلاتچه بوغا را ندارند و اگر اقدامی کردند، شما مسئول خواهید بود» (سند شماره ۶۶۲۷۳ مرکز اسناد آستان قدس رضوی). ظاهرا این نامه مؤثر بود و توانست به نزاع خاتمه دهد و البته شیوه متعادل مرتضی‌قلی‌خان در حل این نزاع نقش مهمی در پایان دادن به درگیری داشت. این رویکرد در تعدیل اوضاع، البته در سال ۱۳۱۲ خورشیدی اتفاق نیفتاد. در آن سال و در ایام نیابت تولیت محمدولی اسدی، اقدام مأموران تحدید اراضی در تعیین مرز میان مزرعه خین‌عرب با مال‌آباد و ابراهیم‌آباد، باعث اعتراض گسترده اهالی شد. این اعتراض البته مورد توجه اداره ثبت املاک قرار نگرفت و آن‌ها در نامه‌ای به «مقام محترم کفالت نیابت تولیت آستان قدس رضوی» آن را وارد ندانستند (سند شماره ۱۰۱۳۳۳ مرکز اسناد آستان قدس رضوی). از فرجام دادخواهی سال ۱۳۱۲ خورشیدی اطلاعی نداریم، اما با توجه به محتوای اسناد، ظاهرا صدای اهالی مال‌آباد به جایی نرسیده است.

گفت‌وگو با ۲عضو گروه کُرال خراسان رضوی به بهانه درخشش در نخستین جشنواره ملی سرود فجر

دست‌کم یک تبریک خشک و خالی می‌گفتید!

نمایی از اجرای گروه کرال خراسان رضوی در جشنواره ملی سرود فجر

الهام ظریفیان

گزارش روز

بعد از تأسیس دفتر سرود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۴۰۱ یکی از مطالبات مهم بر زمین‌مانده هنرمندان سرود، یعنی برگزاری دوباره جشنواره ملی سرود فجر به طور مستقل از موسیقی، تحقق یافت. چهار دهه قبل یا به طور دقیق‌تر در سال ۱۳۶۴ برای اولین بار با عنوان جشنواره سراسری سرود و آهنگ‌های انقلابی فعالیت خودش را آغاز کرده بود اما بعد از چهار دوره برگزاری، نام و نشان جدیدی برایش طراحی شد و به این ترتیب از دوره پنجم با عنوان جشنواره موسیقی فجر فعالیت خود را ادامه داد. اما رفته‌رفته نه تنها برای سرود بلکه برای گروه‌های کر نیز عرصه حضور در این جشنواره تنگ شد. در سال ۱۴۰۲ دبیرخانه نخستین جشنواره ملی سرود فجر در دفتر سرود تشکیل و با طی‌کردن مراحل مقدماتی و منطقه‌ای، اختتامیه آن در روزهای گذشته برگزار شد. ویژگی مهم این جشنواره این بود که برای اولین بار بعد از انقلاب گروه‌های کر همراه با گروه ارکستر و نوازنده‌ها به طور زنده اجرا می‌کردند. گروه‌های مشهدی نیز که یکی از قطب‌های مهم سرود در کشور محسوب می‌شوند، در اجراهای جشنواره خوش درخشیدند و چهار گروه از میان آن‌ها توانستند جوایز را به دست آورند. در این گزارش ما به سراغ دو تن از اعضای گروه کرال خراسان رضوی که در این جشنواره توانست برگزیده بخش هم‌آوازی کر شود رفتیم و درباره این اتفاق و شرایط هنر سرود و کر در مشهد گفت‌وگو کردیم.

گروه‌های کر در مشهد دیده نمی‌شوند

سیدمجتبی ذبیحی بیست سال است که در حوزه سرود و کر فعالیت دارد. او در حال حاضر رئیس انجمن مربیان سرود مشهد و مربی و رهبر گروه کرال خراسان رضوی است. این هنرمند درباره تشکیل این گروه می‌گوید: برای جشنواره فجر تصمیم گرفتیم از پتانسیل مشهد استفاده و از تمام هنرمندان فعال گروه‌های کرال مشهد دعوت کنیم. به این ترتیب گروه کرال خراسان رضوی شکل گرفت. دست‌کم ۱۰ نفر از اعضای این گروه خودشان از مربیان سرود هستند که سال‌هاست دارند کار می‌کنند. قطعه‌ای که گروه کرال خراسان رضوی برای اجرا در جشنواره انتخاب کرد، یک ترانه قدیمی خراسانی به نام «ا... باروِن» است که سال ۶۳ توسط یعقوب صحاف تنظیم شده بود. این ملودی روایت کشاورزانی است که برای به بار نشستن محصولات خود دعای باران می‌خوانند. البته آرمان مهربان، آهنگساز و رهبر ارکستر گروه کرال خراسان رضوی، برای اجرا در جشنواره این قطعه را بازتنظیم کرد. ذبیحی درباره حضور گروه کرال خراسان رضوی در جشنواره می‌گوید: بهترین‌های کشور در این جشنواره حضور داشته‌اند. معمولا داوری آثار در جشنواره‌ها، از روی فیلم ارسال آثار است. درحالی که کیفیت فیلم با اجرای زنده متفاوت است. در جشنواره فجر هر دو مرحله مقدماتی و نهایی حضوری بود و ما با گروه‌های خیلی خوبی رقیب بودیم.

او ادامه می‌دهد: گروه‌های خیلی خوبی داریم ولی متأسفانه در سطح شهر کمتر از اجراهای این گروه‌ها استفاده می‌شود و فقط در جشنواره‌ها اجرا دارند. به دلیل حساسیت‌ها و محدودیت‌های سلیقه‌ای موجود در مشهد، گروه‌های کر اجرای برنامه ندارند. آن‌ها خودشان به طور مستقل تمرین می‌کنند و صرفا دلشان به جشنواره‌ها و اجراهایی خوش است که شاید بتوانند در بعضی سازمان‌های خصوصی داشته باشند. البته از وقتی سرود «سلام فرمانده» اجرا شده شرایط اجراهای مختلط کمی بهتر شده است ولی باز هم صرفا در سطح کودکان این امکان وجود دارد و بزرگ‌سالان نمی‌توانند اجرا کنند. ما در کشور اول می‌شویم ولی مردم مشهد اصلا اجرایمان را نمی‌بینند.

اعمال محدودیت‌های سلیقه‌ای برای گروه‌های کر

ذبیحی با بیان اینکه اگر سازمان‌ها از اعمال محدودیت‌های سلیقه‌ای دست بردارند، می‌توانند در معرفی گروه‌های کر به مردم کمک کنند، می‌افزاید: این محدودیت‌ها باعث مهاجرت استعدادهای موسیقی و سرود به دیگر شهرها و کشورها می‌شود. بسیاری از اهالی موسیقی و کر که می‌شناختم رفته‌اند. اگر فضا باز شود از بسیاری آسیب‌ها جلوگیری می‌شود. تعدادی از این افراد به دلیل اینکه احساس می‌کردند دیده نشده‌اند و زحمتی که می‌کشند فایده‌ای ندارد به گروه‌های زیرزمینی راه پیدا کرده‌اند. اگر مسئولان کمک کنند و این گروه‌ها بتوانند در موضوعات ملی، محلی و مذهبی اجرا داشته باشند جلو بسیاری از این آسیب‌ها گرفته می‌شود و هنرمندان انگیزه پیدا می‌کنند.

به‌گفته این هنرمند بعضی دیگر از گروه‌های کر وقتی می‌بینند در زمینه تخصصی خودشان به نتیجه نمی‌رسند و اجازه اجرا ندارند به عنوان خواننده و گروه همخوان در تئاترهای موزیکال همکاری می‌کنند. او یادآور می‌شود: خود ما در چند نمایش مشارکت داشتیم. از جمله تئاتر «آرایشگر» به کارگردانی محمدحسن نیازی که در جشنواره تئاتر فجر نیز رتبه آورد. سؤال همیشگی خوانندگان کر این است که چطور در تئاتر می‌توانیم بخوانیم ولی در گروه کر اجازه اجرا نداریم. ذبیحی با تشکر از اداره هنری شهرداری مشهد می‌گوید: برای اولین بار شهرداری از یک گروه حمایت کرد. در دیگر بخش‌ها مانند تئاتر یا فیلم، شهرداری حمایت‌هایی از گروه‌های هنری داشته که در جشنواره‌های کشوری حضور می‌یافتند ولی هیچ وقت گروه‌های کر را حمایت نکرده بود. این سازمان در هزینه‌های تهیه لباس از ما حمایت کرد تا لباس‌های ما جزو بهترین لباس‌های جشنواره شود.

گروه‌های کرال، مکانی برای تمرین در مشهد ندارند

در ادامه با علی یزدانی یکی از اعضای این گروه همراه می‌شویم. یزدانی که ۲۱ سال است در زمینه نوازندگی تار و سه‌تار، آواز ایرانی و کرال فعالیت می‌کند، درباره تجربه‌اش از حضور در جشنواره می‌گوید: از مشهد گروه‌های خیلی خوبی در جشنواره حضور داشتند. حتی در بخش سرود گروه‌های دانش‌آموزی مشهد مانند «موعود» و «ملکوت» برخلاف تصور رایج از چنین گروه‌هایی ظاهر شده بودند. نه تنها تنظیم نت و صدا داشتند، بلکه حرکاتشان نیز حرفه‌ای بود. این نشان می‌دهد جشنواره حتی در حوزه دانش‌آموزی موجب پیشرفت شده است. در بخش بزرگ‌سال که شامل گروه‌های کرال و آکاپلا می‌شد نیز گروه‌های قوی حضور داشتند که در مواردی مانند گروه آکاپلا گرگان آثار فاخری حتی بالاتر از سطح جشنواره اجرا کردند. او با انتقاد از مهیانبودن شرایط فعالیت برای گروه‌های کر در مشهد می‌گوید: تقریبا تمامی گروه‌های حاضر در اختتامیه جشنواره حداقل یکی دو بار در سالن‌های شهر خودشان در گروه‌های سازی تمرین کرده بودند. اما متأسفانه ما چنین امکانی را نداشتیم. اگر اجرایی بوده، بدون موسیقی یا کاملا آکاپلا یا پلی‌بک بوده است. در این جشنواره ما برای اولین بار با گروه ارکسترال همراه شدیم و این باعث تعجب داوران و عوامل جشنواره شده بود که چطور توانستیم بدون هیچ تپقی، ناهماهنگی و استرسی اجرا کنیم.

به نظر این هنرمند، بزرگ‌ترین چالش هنرمندان کُرال و ارکستر در مشهد این است که جایی برای تمرین با ساز ندارند. او تأکید می‌کند: محل تمرین یک گروه کر و سرود خیلی مهم است. چون تعداد افراد زیادی باید دور هم جمع شوند و مهم است که محل از نظر صدا آکوستیک باشد. ولی به دلیل اینکه نمی‌توانیم از عهده پرداخت هزینه چنین سالن‌هایی برآییم، مجبوریم در هرجایی حتی منزل شخصی اعضا تمرین کنیم. چراکه تقریبا هیچ حمایت مالی‌ای از گروه‌های کرال نمی‌شود.

دریغ از یک تبریک خشک و خالی

یزدانی می‌افزاید: مشکل دیگری که داریم این است که در مشهد خانم‌ها روی صحنه نمی‌توانند بروند، حتی اگر در قالب گروه باشند. درحالی که این جشنواره با توصیه رهبر معظم انقلاب شکل گرفته است. رهبر معظم انقلاب معتقدند که سرود باعث می‌شود شعر و موسیقی خوب در ذهن همه به ویژه در ذهن کودک و نوجوان نهادینه شود. بالاخره وقتی سومین دوره این جشنواره برگزار می‌شود، توصیه رهبر معظم انقلاب باید جایی دیده شود. به هر حال دلیلی داشته که این هنر از سوی ایشان که انسانی متبحر در هنر و ادبیات هستند مورد تأکید قرار گرفته است.

او با گلایه از کم‌توجهی به گروه‌های کر می‌گوید: کاری که ما در این جشنواره کردیم مانند کسب عنوان قهرمانی کشوری در یک رشته ورزشی است. کم‌وبیش می‌بینیم که از قهرمانان ورزشی در جامعه استقبال می‌شود ولی از ما که در هنر در کشور قهرمان شده‌ایم، متأسفانه هیچ حمایتی حتی در حد گفتن یک تبریک خشک و خالی هم نشده است. درحالی که این کمترین توقعی است که یک هنرمند دارد.

اخبار هنری مشهد

«الکترا» از مشهد در روی صحنه تئاتر قزاقستان

تئاتر «الکترا» با نویسندگی و کارگردانی مصطفی نصیری و تهیه‌کنندگی مسعود حکم‌آبادی در سومین دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر آبیش عالمی قزاقستان روی صحنه خواهد رفت. جشنواره بین‌المللی تئاتر آبیش عالمی از ۲۷ تا ۳۰ سپتامبر (۶ تا ۹ مهرماه) در شهر آکتائو برگزار می‌شود و «الکترا» به عنوان تنها نماینده ایران ۸ مهرماه در سالن اصلی تئاتر بندر آکتائو روی صحنه خواهد رفت. در این دوره از جشنواره آثاری از کشورهای قزاقستان، جمهوری تاتارستان، قرقیزستان، گرجستان و مغولستان در کنار جمهوری اسلامی ایران روی صحنه خواهند رفت. در «الکترا»، تارخ اردشیری، جلال شهبازنژاد، ستاره فرسا، دنیا رحیمیان، بهار کلاهی و مسعود حکم‌آبادی نقش‌آفرینی می‌کنند. گفتنی است؛ «الکترا» پیش از این دو دوره اجرای موفق در شهر مشهد داشته و برگزیده سی و دومین جشنواره تئاتر استانی خراسان رضوی است.

راه‌یابی ۴ متن از استان به جشنواره مقاومت

نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت

نمایش «صمیم» به نویسندگی ندا حبیبی و کارگردانی محبوبه فیروزچی از مشهد به مرحله بازبینی نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت راه یافت. به‌گزارش «شهرآرا» هیئت ارزیابی متون بخش «سردار آسمانی» این جشنواره متشکل از سیروس همتی، ابوذر چهل‌امیرانی و مصطفی کولیوندی از بین ۳۱۹ متن، طرح و ایده ارسال شده به دبیرخانه یک اثر از مشهد و سه اثر از قوچان و تربت حیدریه را برای حضور در مرحله بازبینی این بخش معرفی کردند.

نمایشنامه‌های «الگوریتم فینگر» به نویسندگی و کارگردانی حمید عابدی و «من خسته نیستم» به نویسندگی و کارگردانی مسعود رشیدی از قوچان و «اقتباب» به نویسندگی سیدصادق فاضلی و کارگردانی سیدمحسن هاشمی از تربت حیدریه، دیگر آثار راه‌یافته جشنواره از خراسان رضوی هستند.

نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت به دبیری محمدکاظم تبار، پاییز و زمستان سال ۱۴۰۳ توسط انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح در تهران و شهرهای مختلف کشور میزبان مخاطبان و هنرمندان شرکت‌کننده خواهد بود.

تقدیر از فرزندان ممتاز
پرسنل مؤسسه شهرآرا

سید سینا دقیق پایه اول
آیناز رمضانی پایه اول
رقیه مهرابی پایه اول
فاطمه تیموری پایه اول
رزا ریاحی پایه اول
آیلا آریک پایه اول
امیررضا بخشی‌زاده پایه اول
ویهان بیات پایه اول
شهاب فنایی پایه اول
محمدحسین مهرابی پایه اول
مهدیار رمضانی پایه اول
کوروش افشار کهن پایه اول
کیمیا معصومیان پایه اول
امیر ارسلان حیدری پایه اول
محمد رادین خادم حضرت پایه اول
یسنا سراندیبی فردوس پایه دوم
آیناز طلوع جوان پایه دوم
مهرانه سادات شهرکی پایه دوم

ابوالفضل سالم پایه دوم
حدیثه فدائی پایه دوم
صبا سلامت اسطرخی پایه دوم
ترگل ستوده‌نیا پایه دوم
ساجده گلیانی پایه دوم
حلما حکم‌آبادی پایه دوم
فاطمه زهرا کرمانی پایه دوم
امیر علی دهقان‌پور پایه سوم
هلیا طاهری‌زاده پایه سوم
نورا ده‌باشی پایه سوم
زهرا جعفرزاده پایه سوم
سیده رها اشکذری پایه سوم
محمدصدرا مهرابی پایه سوم
فاطمه زوزنی پایه سوم
مانی مقدسی پایه سوم
ملیکا دلاوری پایه سوم
آریا زمردنائی پایه سوم
امیرحسین سلطانی پایه چهارم

پریسان پوریان پایه چهارم
محمدکسرا نیکنام پایه چهارم
بامداد نظافت یزدی پایه چهارم
ستایش حکیمی خانقاه پایه پنجم
زینب کرمانی پایه پنجم
پرهام پور مفردی پایه پنجم
محمد ادریس مهلوجی پایه پنجم
آیدا رمضانی پایه ششم
محمدیونس ابراهیمی پایه ششم
لیانا آریک پایه ششم
آرنوشا تقی‌آبادی پایه ششم
نونا حاتمی شهباز پایه ششم
هستی صفرزاده طرقبه پایه ششم
محمدمهدی تیموری پایه هفتم
محمدطه میرجانیان پایه هفتم
محمدرضا کریمان پایه هفتم

نیایش احشامی پایه هفتم
یاشیل یوسف‌زاده پایه هفتم
عرفان اعرابی‌پور پایه هفتم
محمدسینا عسکری پایه هفتم
محمدمهدی ریحانی پایه هفتم
کوثر رمضانی پایه هشتم
امیرعلی حکم‌آبادی پایه نهم
علی اصغر رحمانی پایه نهم
امیر محمد اعرابی‌پور پایه نهم
محمدسپهر خادم حضرت پایه نهم
حانیه تیموری پایه دهم
سعید سلامت اسطرخی پایه دهم
امیررضا وطن‌خواه پایه دوازدهم
یاسمن یوسف‌زاده کارشناسی پیوسته

شهرآرا